



در هیچ موقعیتی نباید دروغ گفت حتی اگر منجر به هلاکت بشر شود

یک عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با اشاره به اینکه کانت می گوید نمی توانیم بگوییم اخلاقی هستیم ...

نشست اخلاق کانتی/

در هیچ موقعیتی نباید دروغ گفت حتی اگر منجر به هلاکت بشر شود
 یک عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با اشاره به اینکه کانت می گوید نمی توانیم بگوییم اخلاقی هستیم برای اینکه سعادت مند شوم او معتقد است اخلاق مدار بودن سعادت را به دنبال می آورد نه اینکه برای سعادت مند شدن اخلاقی زندگی کنیم. گفت: او می گوید در هیچ موقعیتی نباید دروغ گفت حتی اگر منجر به هلاکت بشر شود. به گزارش خبرنگار مهر، از سری نشست های فلسفه و عرفان سرای اهل قلم، نشست اخلاق کانتی با حضور دکتر شهین اعوانی عصر شنبه 27 مهرماه در این محل برگزار شد.

اعوانی در ابتدای نشست گفت: همیشه اخلاق متوجه انسان است موجودی غیر از انسان در جهان نیست که اخلاقی باشد. اخلاق به جهان محسوس و جهان معقول توجه دارد. جهان محسوس، با شأن پدیداری و آگزستانس انسان سرو کار دارد که انسان شناسی تجربی از همین جا نشأت می گیرد. ما همه دین و ملیت و قومیت خاصی داریم اینها و وضعیت جغرافیایی ما از بیرون بر ما عارض می شوند. برای مثال اگر در خانواده مسیحی متولد می شدیم دین من الان مسیحیت بود. اینها به اعتباری به من تعلق می گیرند اینها بر خواسته از انسان شناسی تجربی است. یعنی من مسلمانم و اعمال دین اسلام بر من فریضه است. این مسائل ذاتی نیستند. جهان معقول یا جهان روحانی یا روحی هم شأن ذاتی انسان را بررسی می کند یعنی ما ذاتاً انسان هستیم و این ذات انسان اهمیت خاصی در فلسفه کانت دارد. یعنی من قبل از هر چیز دیگری انسان هستم بعد ویژگی هایی بر من مترتب می شود. اخلاق بیشتر وابسته به جهان معقول است.

وی افزود: در این اخلاق سه شکل داریم اتیک، ethics، مورال moral و سیتة، cite کانت بیشتر سیتة را بکار می برد. مورال و اتیک یعنی یک منش اخلاقی ذات اخلاق اما سیتة یعنی اخلاق متعارفه هر سه را مترجمان، اخلاق ترجمه کرده اند. مورالیتة ای که کانت می گوید یک وجه اخلاقی است همانطور که طبیعت برای خودش نظامی دارد کانت معتقد است ذاتیات اخلاقی هم وجود دارند و آن نظام مندی اخلاق انسانی است. این اخلاق با حقوق فرق دارد. چیزی است که از بیرون بر ما عارض شده، ولی قوانین اخلاق از درون ما هستند. ما خودمان مجلس قانون گذار هستیم.

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران ادامه داد: در بیان حقیقت ذات انسان کانت اخلاق را به وجدان و حال و هوای انسان که آن را به ذهن ترجمه کرده اند ولی ذهن نیست و روح نسبت داده است. این سه مفهوم، مفهوم کلیدی فلسفه اخلاق کانت هستند. وجدان یعنی آگاهی ای که احساس تکلیف است. دانستن اخلاق ما را اخلاقی نمی کند اما تکلیف اخلاقی از درون قائل به اخلاق می شویم. منشأ افعال اخلاقی کانت همین وجدان است. در وجدان سه مفهوم استعلایی مطرح می شود خدا و جهان و نفس. این سه ضرورت اساسی برای اخلاق کانتی هستند. یکی از ایده های اصلی که به ضروره در اخلاق کانت مطرح می شود یکی از آنها خداست و یکی هم نفس است. نفس همان چیزی که همه خود را با من تعریف می کنند.

اعوانی تصریح کرد: کانت می گوید منظورم از نفس فاعل ادراک یا همان سوژه که شهود باطنی در خود داشته باشد است که در آن هیچ چیزی ثابت نیست. بنابراین انسان اخلاقی باید انسان عاقلی باشد. کانت عقل نظری و عقل عملی را مطرح می کند. ایندو یک عقل هستند اما در دو وجه تعریف می شوند. کارکرد نظری عقل به نومن می رسد عقل عملی هم تعیین بخش اراده است. عقل عملی کانت شامل فلسفه اخلاق، اخلاق و فلسفه حقوق، اخلاق و انسان شناسی، و اخلاق و ... می شود.

وی افزود: اخلاق در دوره نقادی کانت قرار می گیرد. قبل از دوره نقد، کانت تحت تأثیر ولف و لایب نیتس است و در دوره نقد متأثر از هیوم است. در قسمت عقل نظری می گوید هیوم مرا از خواب جزمی در فلسفه بیدار کرد. کانت نقد اولش نقد عقل محض یا نقد خرد ناب را در 57 سالگی می نویسد. در نقد عقل عملی 6 کتاب می نویسد. اساس ما بعد الطبیعه اخلاق است این کتاب پیشگفتاری برای نقد عقل نظری است. کتاب دوم مابعد الطبیعه اخلاق است. این کتاب در مورد اخلاق و حقوق است ترجمه فارسی آن با عنوان فلسفه حقوق از سوی دکتر منوچهر صانعی دره بیدی از سوی انتشارات نقش و نگار منتشر شده است. کتاب بعدی فلسفه تعلیم فضیلت است که باز دکتر صانعی آن را ترجمه کرده است. بعد کتاب نقد عملی و انسان شناسی از نظر نقد عملی را می نویسد. بعد از آن دین در حدود عقل تنها را می نویسد علاوه بر اینها 20 سال پس از مرگ کانت

درسگفتارهایش توسط سه تن از دانشجویانش بیرون می آید. کانت بیشتر کتاب های خود را تدریس می کرده ولی فلسفه عملی اخلاق از بوم گارتنر را به غیر از کتاب های خودش تدریس می کرده است.

اعوانی یادآورشد: در دوره نقد کانت به 4 سؤال پاسخ می دهد 1- چه چیزی می توانم بدانم تا چه اندازه عقل نظری به من معرفت می دهد 2- چه کاری باید انجام دهم به عقل عملی مربوط می شود. می گوید کاری بکن که از طریق آن لایق سعادت و خوشبختی باشی. 3- به چه چیزی می توانم امیدوار باشم. عمر همه ما محدود است چه چیزی باید بدانیم به چه چیزی پردازیم و به چه چیزی امیدوار باشیم. سعادت یعنی رضایت از اوضاع و احوال خویش . انسان در حال و هوای خود یک رضایت باطنی داشته باشد. 4- انسان چیست، چیستی انسان را مطرح می کند ولی ادعا می کند که نتوانسته است به این سؤال پاسخ بدهد.

وی افزود: هر چیزی که شرطی برای اخلاق باشد از نظر کانت اخلاقی نیست، یعنی کانت به دنبال امر مطلق در اخلاق است. هر کسی که به شهود باطنی خود مراجعه کند امر اخلاقی را پیدا می کند. اینجاست که اخلاق و دین را جداگانه بررسی می کند. کانت می گوید نمی توانیم بگوییم اخلاقی هستیم برای اینکه سعادت مند شوم او معتقد است اخلاق مدار بودن سعادت را به دنبال می آورد نه اینکه برای سعادت مند شدن اخلاقی زندگی کنیم. او می گوید در هیچ موقعیتی نباید دروغ گفت حتی اگر منجر به هلاکت بشر شود.